

قیمت: قبلاً حساب شده:

در حاشیه واکنش مسئولان به افزایش نرخ ارز



کارتون: محمدعلی رجایی

امید

پیچاندن
طلبکار
در سه سوت!

گیر گیر / صفحه ۴

داروهای لاکچری
و پیامدهای آن

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲

گران نشود
نگران می شوند

کلیک / صفحه ۸

پيرپارتي يا سرمايه گذاري روي كهن سالي؟!

- مرد! قراره امشب توي خونه پيرپارتي بگيري يا تم مهموني كهن ساليه؟!
- چكاره؟! چي پارتي؟! بي اشكل پيرپارتي دگه چيه؟! تم كه مال گوشيای موباييله، مگر چراغونم تم دره تيره؟!
- آخه از در اومدم، ديدم گوشه حياط پراز وسايل و تجهيزات كمكي افراد پير و سالمنده. اين روزا هم اين قدر آدم مهمونيا و پارتيای عجيب غريب مي بينه و مي شنوه كه گفتم حتما پيرپارتي هم مد شده و تو مي خوي توي خونه مون بگيري!
- مگر مغزمر چُوك چينگ زده؟! مدني، خب اي قدر هي بزم گفتي مو چلغوزم، مو شل ثنبونم، مو مُخ اختصادي ندزم، مو پخمه نم كه بزم بخوردويك چيزي توي جوئم به جُل جُل افتاد و ناسن و رخواستم يك حركتي زدم كه هم يك چنسال دگه همما بنز سوار بزم!
- باز چي كار كردي مرد؟! دوباره چه دسته گلي به آب دادی؟!
- تو مگر نشنفتي كه رئيس سازمان بهزيستي گفته «ايران تا سال ۱۴۳۰ سال خورده ترين كشور جهان مي شود»؟ اي بَرگه هاي شيگان پيگان توي انترنتم مگن اگر مخن پول دار بزن، بايست نياز بازار و تقاضاي مشتريا بر بدنن. مويم تا اي خبر بر خواندم، جينكي و رخواستم كله كردم سمت بازار و هم هر چي عصا و واكر و سمعك و عاينك و دندون عاريه و ايزي لايف و هم هر چي كه تنه گلون بايا كلونا و پيرزال پيرمردانيزشان مره بر خريدم، تا چنسال دگه كه كشورما پيرترين كشور دنيا رفت و همه مردم پير و لَخته رفتن و ايجور چيزا بر خواستن، مو بتمم اينار گيرون تر برفوشم و پول دار بزم.
- آي كيوا! تا اون موقع كه خودتم پير مي شي واينارو بايد خودت مصرف كني. بعدشم تا اون موقع هم اينارو درب و داغون مي شن، هم تكنولوژي پيشرفت مي كنه و وسايل جديد به بازار مي آد. اي الهی كه به پيري نرسي و خدا زودتر از روي زمين برت داره تا من از دستت راحت بشم!



صفحه ۲
۲۷ بهمن ۱۴۰۳
شماره ۱۲۹

مَشْه ايجور بهر؟!

خسرو آباديان

گران نشون نگران مي شوند

گويا مسئولان حتي پس از اينكه ديگر مسئول نيستند و به مسئول سابق تبديل مي شوند، باز هم گران كردن و گران شدن را دوست دارند. مثلا دانش جعفري، وزير خيلي اسبق اقتصاد، گفته است: «مردم گرجستان تا چند سال پيش روزي دو ساعت برق داشتند، اما الان صادركننده برق شده اند. چرا؟ چون برقشان را گران كردند.» به اظهارنظرهاي مسئولان سابق كه در ماه هاي آينده به سمع و نظراتان خواهد رسيد، توجه فرماييد:

اسفند ۱۴۰۳: وزير سابق صمت: مردم برزيل تا چند سال پيش نمي دانستند شكر را مي شود صادر كرد. ولي الان بزرگ ترين صادر كننده شكر شده اند. چرا؟ چون اين قدر قند و شكر گران شده كه چايشان را با نمك مي نوشيدند.

فروردين ۱۴۰۴: رئيس سابق ستاد ديه: يك قبيله آدم خوار آفريقايي مي شناسم كه آدم خواري را كنار گذاشتند و بيشتريين حجم صادرات آدم را دارند. چطور؟ ماليات آدم كشي را زياد كردند.

اردیبهشت ۱۴۰۴: سفير سابق ايران در پاكستان: اگر يادتان باشد، پاكستاني ها تا همين چند سال پيش فرت و فرت عمليات انتحاري و انفجاري انجام مي دادند. ولي الان يكي از كشورهاي امن جهان شده اند. چطور؟ مواد منفجره را گران كردند.

مرداد ۱۴۰۴: وزير سابق جهادكشاورزي: مردم تا چند سال پيش به عنوان ناسزا به يكدیگر مي گفتند گلابي، ولي حالا گلابي ديگر فحش نيست. چرا؟ چون گلابي گران شده است.

اپوزيسيون مازار

ماهي جوان

راهنمای بقای اپوزيسيون



درود هم وطن غيور من! در اين روزهاي حساس كه روابط كانادا و ترامپ به مرحله «قهر قهر تا روز قيامت» رسيده، ما بايد تغيير استراتژي بدهيم. چرا؟ چون ما با فشار و استبداد به هر شكلي مشكل داريم! پس هم وطن، به پا خيز! اين درد جدا جدا درمان نمي شود. اول در اقدامي دسته جمعي، از خريدن محصولات آمريكايي خودداري كنيد، كاهو، سبزيجات، هر چي. ولي گوشي هاي آيفون را نگه داريد، گران است! امشب همگي سر ساعت ۸ توثيت كنيد كه «ترامپ با اين سياست بازی بزرگ ترين ضربه رو به ج.ا.ا. مي زنه. #به_قدم_تا_سقوط.» بعد هم همگي سر ساعت ۸:۳۰ توثيت مي زنيم كه «كانادا با اين موضع گيري، برادري خودش رو با مردم ايران نشون داد!» خلاصه بايد جوري رفتار كردي كه نه سيخ بسوزه و نه كياب. اسم اين تكنيك «حفظ هر دو نيمكت» هست و اين غائله هر نتيجه اي داشته باشه، شما بايد بگين: «ديدين؟ من كه گفته بودم!»

کُخ تو کُخ

منصوره احمدي

سخنگوی دولت در پنجمين روز جشنواره فيلم فجر



۱ بفیلا بگیرم يا چييس خانوم؟ از اين سيب زميني سرخ کرده هام داره يا سن قرمز

۲ ما اومديم بفیلا بخوريم اينجا؟ حالا گفتي هم گرفتي، فقط سيب زميني نباشه. باز رسانه ها تير مي زن «بريز و بياش لاچچري سخنگوی دولت در جشنواره فيلم فجر»

شروع عمليات اجرائي طرح هاي وزارت نيرو در سراسر کشور



۱ اون از اشتباه محاسباتي ت كه هم برقارو قطع كرديم و هم مازوت سوزونديم، اين هم از بحران آب تابستون. علي آبادي نگفتم كه باعث عصيانيت مردم بشه دوري كنين؟ گفتم يا نگفتم؟ باز چه طرحي رو قراره افتتاح كنيم؟ تن و بدنم از طرح هاي وزارتخونه ت مي لرزه عباس.

۲ تيش كه به قول ضرعامي مردم مي گن گور پدرشون. بذارين دستكم فحش خورمون رو حلال كنيم قربان!

وزرای علوم، بهداشت و فرهنگ و آموزش در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی



۱ اداره آمار گفته ۲۷ درصد مردم درآمد روزانه شون روزي دو دلار. بزن ببينيم مال ما روزي چند دلار مي افته.

۲ با دلار امروز يا ديروز؟

۳ سكه رو بگو! ديدی ۶۹ ميليون شده؟ خدا شاهده تا مي رسم خونه. ياي سينكم.

در حاشيه حضور مديرعامل شركت گاز در جمع خبرنگاران



بچه ها، صاحبش الان مي رسه. سريع كولر رو خاموش كنين. همين ۱۹ درجه خوبيه ديگه. سردترش كنيم، تا بلو مي شه از گرما كولر زده بوديم!

حافظ پرسپولیسی

فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک که کس نبود که دستی از این دغا ببرد
گذار بر ظلمات است، خضر راهی کو؟ مباد کاتش محرومی آب ما ببرد
بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت مگر نسیم پیامی خدای را ببرد

در مصرع اول مشخصا جناب حافظ به بازی اخیر پرسپولیس با الهلال اشاره دارد و می‌گوید افسوس و فغان که پرسپولیس خیلی غریبانه توی اون ورزشگاه خوب و خوشگل باخت! البته در مصرع دوم کمی هوادارها رو دلدار می‌ده و همون حرف مربی پرسپولیس رو تکرار می‌کنه که همه دنیا می‌دونن این دغا (به معنی دغل باز) یعنی الهلال چقدر خوبه و از بس قوی و زرنگه، هیچ کس نمی‌تونه شکستش بده!



در بیت دوم حافظ به لیگ نخبگان آسیا اشاره می‌کنه و توقع داره مربی بهتری برای پرسپولیس بیارن و می‌گه آینده این لیگ واسه ما کاملاً تاریک و ظلمانه و ما به مربی می‌خوایم کاربلد و حرفه‌ای باشه، نه این اسی کارتال! در مصرع بعدی به محروم بودن چند بازیکن هم اشاره‌ای می‌کنه و می‌گه نباید دوباره از این مسئله ضربه بخوریم!

در بیت سوم حافظ کاملاً اعتراف می‌کنه که پرسپولیسیه و از این باخت حسابی ناراحت و سوخته!



در حاشیه حذف کفاشیان و عزیزی خادم از انتخابات فدراسیون فوتبال

دورهمی فوتبالی‌ها

ولیموس: مهندس تاج، ریاست فدراسیون رو بهت تبریک می‌گم. آقا مربی خواستی، بگو، هستیم ها 🙏

مهدی تاج: ای بابا! دوستان، هنوز که انتخابات برگزار نشده، این حرفا چیه؟ 🤔

امیر قلعه نویی: نفرمایین مهندس این حرفا چیه. این مهندسی شما در انتخابات از تکنیک هیبرید اینفورمیشن من هم خداوکیلی خفن تر بود. ریاست توی جیبته. 🤖

کفاشیان: مهندس اگه روش می‌شد، مخالفاش رو ممنوع‌الرأی می‌کرد. 🤖

درویش: ولی خداوکیلی همین تکنیک رو توی جام جهانی هم انجام بدیم و رقیبامون رو بیرون از زمین حذف کنیم، دیگه قطعاً صعود می‌کنیم.

بن سلمان: خدایی پول ما و هوش این تاج توی مهندسی درهم آمیخته می‌شد، مطمئناً الان قهرمان جهان بودیم.

محمدرضا حسینی: وجدانا یه بار هم بیا توی انتخابات ریاست جمهوری مهندسی کن من یه رئیس جمهور بشم توی دلم نمونه. 🤖

ژاوی: من بعد این انتخابات فهمیدم بهم الکی می‌گفتن مهندس فوتبال. مهندس تاجه! بقیه اداش رو درمی‌آرن. 🤖

پنجی گل محمدی: ولی واقعا مهندس تاج بهترین مهندس تاریخه، وقتی مقابل تیمای عربستانی یه کاری می‌کرد بدون انجام بازی ۳-۰ بشه، یه چیز می‌دونست. مهندس می‌دید که توی یه نیمه چارتا می‌خوریم و ۳-۰ بهتره.

بابا: بابا حالا دوتا حذف ساده بوده دیگه، همه رو که حذف نکردم، این جوری می‌گین. 🤖

داداش بهاروند و عابدینی رو با چوب خشک هم بذارن، چوب خشک برنده می‌شه، چه رقابتیه؟ 🤖 چرا خنده م بند نمی‌آد؟ 🤖 یه کاری م نشه؟ 🤖

صفحه ۲
۲۷ بهمن ۱۴۰۳
شماره ۱۲۹

بدون گرفتن تابعیت، لهستانی شدیم

که وقتی میوه فروش می‌پرسد: خیارو بدم؟ گوجه رو بدم؟ بادمجون بدم؟ کلمو بدم؟ اینو بدم؟ اونو بدم؟ کدومو بدم؟ می‌گوییم: همه شو بده!

«از آنچه فکر می‌کنیم نزدیک‌تر، ترین هفته»: معاون رئیس‌جمهور گفت: آلاینده‌های خطرناک از آنچه فکر می‌کنیم به ما نزدیک‌ترند. البته ایشان در تخمین مسافتشان کمی اشتباه کرده‌اند. چون نزدیک نیستند، بلکه آلاینده‌ها دقیقاً بخشی از وجودمان شده‌اند و در بازی اسم و فامیل می‌شود به عنوان عضو بدن آن را نوشت.

طلايي ترين تمشک هفته: اختصاص می‌یابد به خود مردم. چون آقای قالیباف گفته است مردم می‌گویند به ما یارانه ندهید، خانه بدهید. این ریسک بزرگی بود که مردم کردند. مگر شمانمی‌دانید مسئولان خیلی وقت‌ها حرف‌های مردم را کامل نمی‌شنوند؟ ممکن بود فقط «به ما یارانه ندهید» را بشنوند و «خانه بدهید» را نشنوند.

میکروسکوپی ترین عیدی هفته: سخنگوی دولت گفته ۳ میلیون تومان به کارمندان عیدی داده خواهد شد. پیشنهاد می‌کنیم برای لذت بردن از این عیدی حساب نکنند که با آن چند صدم گرم می‌شود طلا خرید!

لهستانی ترین ایرانی‌های هفته: قالیباف گفت مردم کشور زیر فشارهای اقتصادی دارند له می‌شوند. کلاً به جایی رسیدهایم که انگار مسئولان از ما بیشتر نگران ما هستند. مثلاً ما می‌گوییم رویمان فشار است، آن‌ها می‌گویند فشار چیه، له شده‌اید. یا مثلاً اگر بگوییم با ماهی ۱۵ میلیون تومان هم نمی‌توانیم زندگی کنیم، می‌گویند با ماهی ۲۵ میلیون تومان هم نمی‌شود زندگی کرد.

مهم‌ترین عامل گرانی هفته: سخنگوی دولت درباره علت گرانی صیفی‌جات گفت: «مردم بیشتر از نیاز خرید می‌کنند.» واقعا مسئول عزیز فکر می‌کند ما این قدر ثروتمندیم

یک خبرنگار در حاشیه تصادفی مرگ بار این آهن پاره تاظهار امروز پرايد بود

هرچند کمی شبیه‌گاری بوده‌ست این آهن پاره یک سواری بوده‌ست هرکس که نظاره کرد، گفت این صحنه برخورد نه، حتماً انتحاری بوده‌ست!



تاج: خورمان را در جام جهانی ۲۰۲۶ می‌بینیم

وه چه می‌نایزم بر اقبال خود آشنا هستیم با فوتبال خود فال هم‌گهگاه می‌گیریم ما فال می‌گیریم، اما فال خود



رئیس‌جمهور: تاپیش از یک اقامت برای تأمین معیشت مردم انجام می‌دهیم

«بزرگ نمیر بهار می‌آد، کمبزه با خیار می‌آد» نشد اگر که با الاغ، با واند و قطار می‌آد نگاه نکن گروهی، یه خورده‌ای دووم بیار می‌کن که این وری داره با اون وری کنار می‌آد



فاجعه زیرکوش پایتخت؛ کشتار گاه اسب و الاغ را سلامشهر

قلی به طعنه شی گفت توی گوش الاغش که هرکه خر بشود، می‌پزند روی اجاقش! الاغ برگر معروف شهر می‌شود آخر میان تابه بسوزد زبان و گوش و دماغش!



داروهای لاکچری و پیامدهای آن

چندی است که قیمت دارو حالت تصاعدي گرفته و طوری بالامی رود که شیب نمودار قیمتش روی دست دلار و طلا و بیت کوین و حتی سیب زمینی زده است. کاری به این نداریم که علتش چیست و آیا حذف ارز دولتی یا ضرر دهی داروسازی های تحریم های دادست داشتن دلال های لاج بازی یک آقا زاده با برادرش یا... باعث این گرانی شده است یا نه. در این مطلب می خواهیم به عواقب این گرانی بپردازیم.

من در بی درمان دارم

دور نیست روزی که گرانی دارو باعث شود مردم به بیماری شان بنازند، نه به پول داخل حسابشان؛ به این صورت که یک نفر در بیوی اینستا بزند: «دارنده هفت جور درد بی درمان که داروهای هر کدام میلیارد ها تومان قیمت دارد.» بعد هم یک علامت چشم زخم بگذارد. یا وقتی پسری به خواستگاری دختری می رود، در جواب «خب بگو ببینیم از خودت چی داری؟» داماد، باد به غیغ بیندازد و بگوید: «راستش به سرطان دارم که ماهی ۱۰۰ میلیون تومن خرج شیمی درمانی ش می کنم، به مدل بیماری روده هم دارم که داروهاش ده ها میلیون می ارزه.» و بعد دختر زیر چشمی به پسر بخندد و مادر دختر هم زیر لبی بگوید: «بگردم دامادمو... همه چی تمومه!»

شیاف تا رابچسب، همسایه رانز رنگ

لوکس شدن دارو یک پیامد دیگر هم دارد. آن هم تبدیل شدن سیستم حفاظت داروخانه ها به امنیت بانک هاست. مثلاً برای خریدن دارو باید پیش از ورود به داروخانه زنگ در را بزنی، ماسک خود را برداریم و به دوربین حفاظتی نگاه کنیم، بعد از گیت رد شویم و نگهبان مراقب باشد که تکان بی جا نخوریم. یا داروخانه داروها داروهایشان را در گاوصندوق نگه دارند و به ورق قرص ها و شیاف ها تگ ضد سرقت بزنند. یا کسی که یک کیسه دارو خریده است، با دیگارد بگیرد که در خیابان دارو قاپ پمادها و شربت هایش را نزنند. یا در روزنامه آگهی ببینیم که: «۱۵ میلیون تومان مؤدگانی به یابنده یک ورق سرما خوردگی بزرگ سال که در محدوده وکیل آباد گم شده است.»

وصیت نامه دارویی

در این صورت دارو تبدیل می شود به کالایی مناسب سرمایه گذاری. مثلاً دیگر مردم طلا و دلار نمی خرند. دارو می خرند و نگه می دارند تا گران شود. در دیفال آگهی می بینیم که: «یک بسته قرص اسهال به بالاترین قیمت. لطفاً فقط خریدار واقعی تماس بگیرد. باتشکر از دیفال.» یا حتی مردم دارو پس انداز می کنند که اگر زمانی بیمار شدند، دستشان در زندگی جلو باشد. مثلاً پدر بزرگی هنگام کشیدن نفس های آخر، فرزندان و نوه هایش را دور خودش جمع کند و بگوید: «به هر کدومتون یکی و نصفی قرص ضد آلرژی می رسه... به کار خودم که نیومد... شما سعی کنید توی زندگی درست مصرفش کنید... فرت.»

خالی فروش سرنگ

و هیچ بعید نیست در رسانه ها با اخباری درباره «سلطان پیروکسیکام دستگیر شد»، «مجلس قانون مبارزه با داروشویی را تصویب کرد»، «آغاز به کار سامانه خرید آنلاین میلی لیتری سرم قندی نمکی»، «هشدار پلیس به سوداگرانی که کپسول چرک خشک کن اجاره می دهند»، «شرایط دریافت وام کمک هزینه خرید استامینوفن کدئین اعلام شد»، «ثبت نام برای پیش فروش پماد بواسیر آغاز شد» و...!



صفحه ۴

۲۷ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۱۲۹

موضوع انشا:

علم بهتر است
یا زور پیک
موتوری؟



فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

بگیریم. آخر ما باید خیلی درس بخوانیم تا بتوانیم پیک موتوری موفق بشویم. اینکه ما داریم درس می خوانیم، دلیلش این است که پسر خاله مان با مدرک دیپلمش نتوانست پیک موتوری موفق بشود و آقای رئیس پیک موتوری ها بهش گفت باید بروی بگذاری اش در کوزه. اما پسر همسایه مان با مدرک فوق لیسانسش سریع استخدام شد و حتی بابایش برایش یک موتور قسطی هم خرید.

پدرمان می گوید مادر کشوری زندگی می کنیم که قانون برای همه برابر است، اما برای بعضی ها برابر تر است. راستش ما خیلی نفهمیدیم منظور بابایمان چی بود، فقط حس کردیم با این جمله انشا را شروع کنیم. خیلی با کلاس است و حتما بیست می گیریم. ما تازگی ها خیلی بیشتر درس می خوانیم و هر شب ۲۳ ساعت برای ریاضی وقت می گذاریم. آخر قرار است خیلی زود پیشرفت کنیم و فوق لیسانس خودمان را از پی اچ دی

اما اینکه می خواهیم پیک موتوری بشویم، دلیلش این است که زیرا این روزها وقتی در خیابان راه می رویم، باید هر لحظه منتظر باشم که یک پیک موتوری باده تا جعبه پیتزا روی سرش از کنارمان رد شود و ماشین های دیگر را مجبور کند مثل مسابقه اتومبیل رانی از هم سبقت بگیرند. اصلاً ساختن یک کوه و ما می توانیم با یک تیر دو نشان بزنی و هم زمان هنرمند هم بشویم. از طرف دیگر

خاطرات یک مسئول تأمین سفره مردم



کارتون: شهرام شیرزادی

رویه رو شدیم و چیزهایی شنیدیم و کامنت هایی خواندیم که تا حالا به عمرمان ندیده بودیم.

روزیست و پنجم

عقلمان را روی هم گذاشتیم و تصمیم گرفتیم از روش پرت کردن حواس استفاده کنیم. گفتیم طلا و دلار و سیب زمینی را گران می کنیم تا مردم سفره شان را فراموش کنند. بعد دیدیم اینکه طبیعی است و مردم عادت کرده اند. گفتیم پس قول رفع فیلترینگ را می دهیم. مقبول افتاد.

روزی و هفتم

مردم زنگ تر از این حرف ها شده اند. با این چیزها گول نمی خورند. دوباره پیشنهاد دادیم که دولت اوراق مشارکت بفروشد تا با پولش بتوانیم سفره مردم را تأمین کنیم.

روزی چهارم

آن قدری که باید پول جمع نشد. هزینه سامانه و بانک و کارگزار و... بیشتر از این حرف هاست. پیشنهاد دادیم حالا که چند روز بیشتر تا عید نمانده است. به عنوان سامان دهی بازار مقداری مواد غذایی توی میادین پخش کنیم. هم مردم در صف می ایستند و خسته می شوند. هم با این سرعت اینترنت حوصله شان سر می رود و بی خیال سامانه ثبت گوشت می شوند. به احتمال زیاد این پیشنهاد دیگر رأی بیاورد.

گفتم که می توانیم چندین عمل جراحی بای پس و اسلیو روی معده شهروندانی که مشکل سفره دارند، انجام بدهیم. این طوری می توان برای پزشکانی که بیکار مانده اند هم کارآفرینی کرد.

روزی نهم

باز هم نشد. با مشاورها نشستیم و کلی فکر کردیم تا به این نتیجه رسیدیم که باید یک کارگروه تشکیل داد که از مضرات غذا خوردن بگوید و روی فواید شبانه روز گرسنه بودن تحقیق کند. اگر بین اعضای این کارگروه چندتا دانشمند خارجی هم بگذاریم، مردم بیشتر به نتیجه تحقیقات اعتماد می کنند.

روزی بیستم

این طرح هم به بهانه هزینه زایدون رد شد. بلافاصله توصیه کردیم که چند کارشناس در رسانه های بیابند و از مضرات خوردن گوشت و میوه و آجیل و برنج و این چیزها بگویند. می توان از مردم کشورهای دیگر هم مایه گذاشت که ببینند آن ها سال هاست نان خالی می خورند، ولی چقدر سالم و قبراق هستند. ممکن است کسی تلویزیون را نگاه نکند، ولی اگر همان تکه برنامه رادر شبکه های اجتماعی منتشر کنیم، حسابی تأثیر خواهد داشت.

روزی سیست و چهارم

این کار انجام شد، ولی با چنان واکنشی از مردم

رئیس جمهور، در نشست سران قوا گفت: «مصمم هستیم سفره مردم را تأمین کنیم و تا قبل از عید اقدامات اولیه آن را انجام خواهیم داد.» از آنجا که ما دیگر گوشمان از این تعارف ها پر شده است و مسئولان و عملکردشان را بهتر از خودشان می شناسیم، دفتر خاطرات یکی از این عزیزان را با هم تورق می کنیم تا شما هم این دسته های گل را بهتر بشناسید و با زحماتشان بیشتر آشنا شوید.

روزی اول

امروز فهمیدم رئیس جمهور قول داده اند تا پیش از عید سفره مردم تأمین شود. بلافاصله به ما هم ابلاغ شد تا این کار را انجام بدهیم. مات مانده ایم که در این یک ماه ونیم چه کاری می توانیم بکنیم.

روزی ششم

دیشب در خواب و بیداری به این نتیجه رسیدم که ساده ترین کار این است که عید را چند سالی به تأخیر بیندازیم تا بتوانیم یک کاری برای سفره مردم بکنیم. فردا باید مطرحش کنیم.

روزی یازدهم

متأسفانه با پیشنهادم مخالفت شد. برای همین

فرمان را گرفته بود و با دست دیگر یخچال را نگه داشته بود. ما فکر کردیم شاید راننده، قهرمان رشته «موتورسواری با وسایل سنگین» در المپیک است. اما مادرمان فقط سرش را تکان داد. آنجا بود که تصمیم گرفتیم پیک موتوری شویم. چون این طوری، هم پول داریم هم هنرمندیم و هم خیلی زور داریم. زیرا اگرچه بابایمان زور دارد، امیر علی اکبری هم خیلی زور دارد، اما پیک موتوری از همه شان بیشتر زور دارد و خیلی قهرمان است.

زود هم پول دار می شویم. چون اگر هر پیک موتوری در هر ساعت یک بار این مقدار پیتزا را جابه جا کند، حتما پول دار می شود. حتی با موتور می شود کارهای دیگری هم کرد تا خرج عیارواری مان در بیاید و همسر آینده مان جلو خواهرهایش پز بدد که شوهرش خیلی دستش به دهانش می رسد. مثلاً ما یک بار که با مادرمان در پیاده روی می رفتیم، یک موتور از کنارمان رد شد که روی ترک آن یک یخچال را بانخ شیرینی بسته بودند. راننده با یک دست



قیمت سیب زمینی بالاست و باید پایین بیاید

صفحه ۶

واکنش نماینده تهران به خبر واگذاری

حق انتخاب خود را در مورد

اگر دوربین مخفی است، بگویید ما هم بدانیم!

نتانیاهو به ترامپ

رف پیج جرج سورانی

جو بایدن را هدیه داد

صفحه ۶

سازمان غذا و دارو:

اگر واقعاً مشکل ارزی قرص دارند، قرص

ایرانی ها نان تهیه مصرف کنند نه هم غذاست، هم دارو

پزشکیان

با ناسزا گویان بعد از

توی دهانشان و تند روها هم گفت و گو می کنیم

صفحه ۶

احمد صالحی، پژوهشگر اقتصادی

اگر مسئولان قول بدهند فقط یک ماه هیچ کاری نکنند نرخ دلار از ۸ هزار تومان بالاتر نمی رود

صفحه ۶

۳۵ هزار پزشک عمومی

معلوم نیست

کارت فونشان را در

کدام کشور

میزشان پنهان

مهاجرت کرده اند

مختار در سه فصل مشهود

به دلیل مصرف زیاد

از مدار زمین

خارج شده اند

صفحه ۶

پیرک

آرش آریایی

در حاشیه خشکی ۳ سد مشهد و راهکارهای مسئولان برای خروج از آن



آب برای من تأمین می شه؟



Biiiiiiii

خدا رحمت کنه شهر قشنگی بود



طوری نیست از دریای عمان لوله می کشیم، آب می آریم.



اوه! چاه ها هم داره خشک می شه.



مشکل آب مشهد را باکندن چاه حل می کنیم.

صفحه ۶

۲۷ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۱۲۹

ناسوس

فرشته شایان

ملت شریف ایران اصلاً نگران نباشن. به همت شبانه روزی و درایت مدیران خدمتگزار، به زودی از سامانه پیش فروش تره بار و صیفی جات رونمایی خواهد شد. این طوری که به مبلغی بلوکه می کنی و بعد از چند ماه محصول تحویل هم و طنان خواهی شد. عین آیفون و طلا هم مطلقاً خالی فروشی نداره و بازار مطمئنه. تهش به فرض مثال شیر لاله ها رو ملخ خورد، شلغم تحویل خواهد شد.



وزیر کشاورزی

به عنوان به سرمایه پرسود که آفت نداره، عرض می کنم رصد بازار سرمایه و تحلیل های تکنیکال نشون می ده نوسانات از بازار محصولات باغی کشیده بیرون. این بازار دیگه فاقد هر موج سینوسی و تابع اون شعله تخت گاز فقط می ره بالا، پرتقال جنوب ۱۳۰ تومنی و کیوی و گلابی ۱۷۰ تومنی گواه این مدعاست. الان وقت خریده، نفروشین.



بادمجان بم

سخنگوی دولت: نوسانات بازار صیفی جات در حال کنترل است. (باشگاه خبرنگاران جوان)

این «نوسانات بازار» مگه مال ارز و طلا نبود؟ دهانش سرویس چقدر پیچیده است این علم اقتصاداکی فکرش رو می کرد رشد نقدینگی و تحریم و کسری بودجه روی قیمت شلغم و کدو تنبل هم نوسان ایجاد کنه؟! رفقا، کسی می تونه راهنمایی کنه حالا که ترامپ اومده، به مذاکره هم تمایل نشون داده، کلم قمری بخریم یا بفروشیم؟



شهروند



ما با شما خوب نیستیم!



● امشب به مناسبت جشن واره فیلم فجر، میزبان کارشناس سینمایی هستیم. فقط اگر روشن رو به سمت ما بکنن، به نظرم مؤدبانه تره!

● روی من به سمت شماست. اینا موها و سیبیلای که روی صورت من پوشونده! هنریه دیگه!

● آهان. خب نظر شما درباره جشن واره امسال چیه؟

● جشن واره که اسمش روشه. یعنی همه چی وای می ره. لباس ها و... خلاصه همه چی وای وای!

● شاید هم منظور شون جشنی باشه که اتاق وی آی آر و واره و همه چی تحت نظارت!

● تحت نظارت که هست، ولی خب توسط کاربران فضای مجازی. خوراک نظارت هم فوتوکالاست که زده روی دست دیجی مالا! بازگرد نیستن که؛ مهمونای عروسی ان به وقت شام، به صرف شیرینی!

● یعنی شما فیلما رو ول کردین، چسبیدین به تفاوت های فرهنگی! دیگه سیب زمینی هم واداد تفاوت قیمتش رو با چیزای فرهنگی مثل گوجه فرنگی و... جبران کرد، شما وانمی دی؟!

● بحث وادادن نیست، من می گم شما نمی شه به عنوان یک کنش اشتباهی و مدنی بیای جشن واره رو ته ریم کنی تا اگر دست داد، تا ته بریم، بعد خودتون تنها تا ته برین و بعد برگردین و بیاین جشن واره و دیش دیری دیرین ماشالا!

● خب مگه بده با همه خوب باشیم تا برگردن؟ خود شما هم برگردین بد نیست.

● بله، درسته. این دیگه پشت سرمه!

صندلی چرخید، داشتم با دیوار صحبت می کردم! گلاب به روتون!

● بله، می فرمودین.

● بله، می فرمودم! خلاصه اینکه خوبه همه برگردن، ولی خب نباید در خوردن زیاده روی کنن!

● در خوردن چی؟

● جیگر!

● شما جیگر دوست دارین؟!

● نه به اندازه شما! چون مصرف زیاد جیگر، احتمال سکته قلبی ناظران پخش افتتاحیه جشن واره رو افزایش می ده و ممکنه در کسری از ثانیه، افتتاحیه رو تبدیل به اختتامیه کنه!

● این درست، ولی خب کیفیت فیلما رو چی کار کنیم؟

● سی دی روا که یه «ها» کنی، با پشت آستین تمیز کنی، با کیفیت تر پخش می کنه!

● نه، منظورم کیفیت ساخت فیلمه.

● آهان، باید دست به دست هم داد تا فیلمای بهتری بسازیم.

● این دست به دست هم دادن مشکل پخش نداره؟!

● بستگی داره نیتت چی باشه. اگر به نشانه اینکه بگی ما با هم خوییم، شما هم با ما خوب باشین، با هر کی بگین، «نرم» می جنگیم، نه، بد نیست!

● پس ما هم با شما دست می دیم و برنامه رو به اتمام می رسونیم!

● ولی ما با شما خوب نیستیم!



سردار دورسون، مهاجم جدید پرسپولیس، در پایان نیمه اول و پس از شکست چهارگله تیمش به دنبال لباس بازیکن الهلال بود!



● **جواد خیابانی:** دوستان، مثبت فکر کنین. شاید می خواسته لباسش رو با اون عوض کنه، نیمه دوم بره توی تیم اونا گل به خودی بزنه.

● **عادل فردوسی پور:** خدا روشکر نیما از الهلال رفت، وگرنه احتمالا بین دو نیمه نیما رو بلند می کرد می برد توی رختکن پرسپولیس.

● **امیرحسین ثابتی:** عجالتا این و ظریف رو با هم از کشور اخراج کنین.

● **کارتال:** اگر دست کم «رایان کنت» رو برام گرفته بودن، این جلبک رو می دادم تمساحش بخوره.

● **علیرضا بیرانوند:** کاش به جای اون همه دلار که ریختین روی سر من، یه دست لباس برای این می گرفتین بین دو نیمه نره لباس بازیکن حریف رو بگیره.

● **باشگاه الهلال:** داداشا لطفا یکی جلوا این بازیکن پرسپولیس رو بگیره. دیشب تا توی رختکن ما اومد دنبال لباس. بچه ها می گن تاخونه شون هم دنبالشون رفته.

● **مهدی تاج:** اگر همین تلاشش برای گرفتن پیراهن رو می داشت برای گل زدن، الان هت تریک کرده بود.

● **موسیمان:** زحمتت ببین از همین سه ایکس لارچش رو هم داره یکی برای من بگیره؟

● **ویلموتس:** اوو او! تا بیرون نکرده، بیاییش خودم بهت بگم چه جوری کل پولت رو بگیره.

صفحه ۷
۲۷ بهمن ۱۴۰۳
شماره ۱۲۹



محمد رضا زنوزی، مالک باشگاه تراکتور:

کاری نکنند فصل بعد باشگاه پرسپولیس را بخرم و اسمش را به لوازم بد کی تراکتور تغییر بدهم.

(روزنیوز)

میرسلیم:
کاری نکنید همین تعرفه صد درصدی واردات خودرو را دویست درصد کنیم. اسمش را هم هرچه خواستید بگذارید!



تام کروز در حاشیه خرید شرکت ایران خودرو توسط شرکت کروز: کاری نکنند ایران خودرو را بخرم و اسمش را بگذارم تام.



وزیر اقتصاد: کاری نکنید علاوه بر قیمت دلار، بقیه چیزها را هم گردن بگیرم.



جلیلی: کاری نکنید همین چند سریال تکراری را هم پخش نکنم و همه اش تبلیغات فرش بگذارم.



نخست وزیر کانادا: کاری نکنند آمریکا را بخرم و اسمش را به فانتا تغییر بدهم.



بارش های اندک و احتمال سهمیه بندی آب در تابستان

آبدزدک!

چنان قحط سالی شد اندر مشد!
که حال همه شد به یک باره بد
نه مانند آب در لوله یا در قنات
نه در رودخانه، نه در پشت سد

چنان خشک سالی به هرجا رسید
که کوهان درآورده لاغ!
نشد جوجه اردک مبدل به قو
که شد طفلی آخر کار زاغ!

چنان شد که ماهی درآورد شش!
که کاریز، لبریز از ماسه شد
که شد قورباغه شبیه ملخ
که هرجا پر از بچه کپاسه شد!

چنان شد که درگل فروماند ناو
که یاران فراموش کردند «Love»!
که استخر شد چاله اسکندرون!
که شش گاو نر خورد شش ماده گاو

چنان خشک سالی در اطراف شد
که بابلسر ورشت چون خواف شد!
که شد تاک، هرجا مبدل به نخل
دهان خلائق همه صاف شد!

چنان قحطی آمد به هرگوشه دوش
که از یادها رفت صابون و دوش!
که گرمابه شد گرم خانه فقط
که انبارها پر شد از مار و موش

چنان شد که شخصی به یک شهر گفت:

عمل مثل باقی مردم کنید
نیستم به دست کسی آیکش!
به جای وضو هم تیمم کنید

مبادا ببینم هدر رفت آب
شود عادت بچه ها یا شیوخ
به کل، آفتابه رود از میان
که از نو شود باب، سنگ و کلوخ!

تو هم بیش از این ای لسان العیوب
نبند آب بر شعر ناب و ترت
بکن صرفه جویی در ابیات خویش
نکن خیس از این بیشتر، دفترت

فقط بند آخر بده یک پیام
نباید نشست و فقط غصه خورد
اگر که همه صرفه جویی کنند
شود باز در نهرها غطه خورد

الهی!

حالاکه این روزها همه سرگرم فیلم دیدن هستند، از تومی خواهیم
پایان بندی فیلم زندگی مان مانند پایان آثار ایرانی باز، بی سروته
و کلیشه نباشد و مخاطبان بیسندند!

پنجشنبه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمجتهد موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پیشگام: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

خودآموز پیچاندن طلبکار در سه سوت!

در خبرها داشتیم دادگستری تهران «ورشکسته نمایی» را
یکی از راه های فرار از پرداخت دیون اعلام کرده است.
ما هم دیگر راهکارهای پیچاندن طلبکاران را به سمع و نظر شما می رسانییم.

مسافرنمایی



مظلوم نمایی



پول دار نمایی



فراموشکار نمایی



مروحوم نمایی